وحدت اقوام ایرانی

دی 18, 1393

سه تحليل نظري درباره اقوام ايراني مي‌توان ارايه داد. يک رويکرد مبتني بر اين است؛ آنچه هويت ايراني را مي‌سازد بيشتر برگرفته از مليت است. باستان گرايي و نگاه يک سويه به ايران عزيز، از آثار مترتب بر اين رويکرد است.

اقوام ايراني از اين منظر، در عنصر هويت بخش مليت محو شده و کمتر در محاسبات و برنامه ريزي هاي ملي ديده مي‌شوند. اين رويکرد، سلبي است. رويکرد دوم به قوميت به عنوان زيرساخت هويت افراد در جامعه ايراني مي‌نگرد و ساير جنبه هاي هويت آفرين را در حاشيه قرار مي‌دهد. برتري جويي قومي و ناديده انگاري مولفه هاي وحدت ملي و امنيت ملي از تبعات اين رويکرد است. اين رويکرد، اثباتي و به بيان بهتر افراطي است. در رويکرد سوم، اقوام ايراني نه به تنهايي متن هستند و نه در حاشيه بلکه پيوندهاي قومي بخش مهمي از شناسنامه اقوام ايراني محسوب مي‌شوند.

دولت ها همواره از شناسنامه ملت ها در روابط خود با ساير کشورها استفاده مي‌کنند. دولت به نمايندگي از مردم است که در روابط بين‌الملل به ايفاي نقش مي‌پردازد و از خود چيزي مستقل ندارد. در ايران اين رابطه بسيار ظريف تر است. در سلسله مراتب اهداف ملي جمهوري اسلامي ايران، دولت ها موظف به پيگيري منافع ديني و ملي هستند. من معتقدم هويت ايراني در يک رويکرد ترکيبي بر پايه پيوندهاي قومي، ملي و اسلامي يک کل لايتجزي را پديد مي‌آورد. سه دايره متداخل را درنظر بگيريد که از داخل به سمت بيرون آن دواير متحدالمرکز اقوام ايراني، مليت و اسلاميت در درون هم قرار گرفته اند. قوم به گروهي از انسان ها گفته مي‌شود که در جامعه اي بزرگ تر زندگي مي‌کنند و ويژگي هاي مشترکي آنها را به يکديگر پيوند مي‌دهد. مهم ترين اين وجوه اشتراک؛ دين، زبان و فرهنگ است که هويت قومي آنها را پديد مي‌آورد.

اقوام در ايران برخلاف ساير مناطق جهان نه تنها تزاحم و دردسري براي هم نداشته اند بلکه در تمامي مقاطع حساس و بويژه هنگام يورش هاي بيگانه به اين سرزمين آسماني هميشه پشت يکديگر و مدافع ارزش هاي جامعه و منافع ملي بوده اند. اگر در گذشته و البته بيشتر در دويست سال اخير از بخش هاي شمالي، شمال شرقي، شرقي، جنوبي و غربي

يعني تقريباً از همه طرف قسمت هايي از تماميت ارضي خود را از دست داده ايم ناشي از ضعف حكومت هاي شاهان بوده وگرنه اقوام ايراني در هشت سال دفاع مقدس توانستند با وحدت مثال زدني خود و در سايه رهبري ديني جامعه، شگفتي ساز بزرگ ترين جنگ منطقه اي در قرن بيستم باشند و نظام سلطه را در برابر عظمت مردم ايران به زانو درآورند. مليت و اسلاميت دو عامل درون زا و وحدت آفرين براي اقوام ايراني بوده اند. مليت به معناي مردماني كه در يک سرزمين مشخص با مديريت سياسي واحد و باورهاي فراگير و مشترک زندگي مي‌كنند و براي رسيدن به اهداف ملي با يكديگر همكاري سازمان يافته و روبه رشدي دارند.

ملت ايران با وجود تنوع قومي كه در تمامي بخش هاي شمالي، جنوبي، شرقي، غربي و مركزي اين سرزمين پهناور گسترده شده اند كمترين فاصله اجتماعي را دارند و بحمدالله به بالاترين سطح آگاهي سياسي و هم افزايي در زمان معاصر رسيده اند. فراواني ازدواج ها بين مردان و زنان از گروهاي قومي مختلف در ايران و اختلاط بين اقوام ايراني مصداق بارز نبود فاصله اجتماعي در كشور است و مشاركت در انقلاب اسلامي و دفاع مقدس بالاترين سطح مشاركت پذيري سياسي و هم افزايي بين اقوام ايراني است. در مسئله هويت ايراني، رابطه بزرگي و كوچكي عناصر هويت آفرين مورد بحث در اين نوشتار مشهود و قابل بررسي است. قوميت، مليت و اسلاميت يک مرزبندي دروني از جزء به كل در حيطه هاي هويتي جامعه ايراني است. درست مثل كوچكي و بزرگي رابطه فرد و خانواده كه در سطح فردي، اين پيوندهاي نسبي بخش مهمي از هويت افراد را تشكيل مي‌دهند.

شهروندان براي معرفي خود به يكديگر، نسبت هاي خانوادگي و قومي را ذكر مي‌كنند ولي همين افراد در برابر ساير ملت ها از عناوين ايراني، مسلمان و فارسي زبان براي اثبات هويت خود استفاده مي‌كنند. اين مثال به درک جايگاه اقوام ايراني در سلسله مراتب هويتي كه يک كل يكپارچه را باهم مي‌سازند كمک شايان توجهي مي‌كند. اقوام ايراني بين خود مرزهاي جامعه شناختي دارند اما در مواجهه با دنياي خارج، از مرزبندي هاي جغرافيايي، ملي و اسلامي پيروي مي‌كنند. زندگي گروه هاي قومي در ايران به چهار دوره كلي تقسيم مي‌شود. پيش از پذيرش اسلام، پس از اسلام، دوره معاصر و بويژه دوره پس از پيروزي انقلاب شكوهمند اسلامي. به نظر من، شرايط پيش رو، دوره جديدي براي ملت مسلمان و انقلابي ايران رقم خواهد زد. زخم هاي دردناكي بر پيكر اسلام عزيز از سوي دشمنان وارد آمده و جنگ

هاي به ظاهر مذهبي و در باطن استعماري و استكباري، ترفند آنها براي مقابله با پيشرفت ها و نقش آفريني هاي فزاينده جمهوري اسلامي ايران و متحدان آن در منطقه است كه آثار ثانوي آن به تدريج، سراسر جهان را تحت تاثير قرار مي‌دهد. غرب از تمامي ابزارهاي موجود در عرصه هاي نفتي، اقتصادي، رسانه اي و هسته اي بطور همزمان دارد استفاده مي‌كند. اين شرايط حاكم بر نظام بين‌الملل با محوريت اسلام يک نقطه عطف و پيچ تاريخي است.سابقه تاريخي موید این است كه اقوام ايراني در حفظ و حراست از كيان ايران و اسلام همواره كوشيده اند و نسبت به يكديگر مناسبات حسنه و پيوندهاي مستحكمي داشته اند. هيچ گاه در جامعه ايراني شاهد چيزي به نام برخورد قوميت ها نبوده ايم و وحدت اقوام ايراني همواره باعث یاس دشمنان بوده است. با افتخار بار ديگر تاكيد مي‌كنم دفاع مقدس مردم ايران در برابر استكبار جهاني باشكوه ترين جلوه هاي وحدت اقوام ايراني است كه مي‌توان آن را حاصل جمهوريت و اسلاميت برآمده از انقلاب اسلامي سال 1357 دانست كه با وجود بي سابقه بودن حجم و بزرگي تهديدات خارجي، نه تنها در اثر آن يک وجب از خاک اين سرزمين آسماني از دست نرفته است بلكه براي ده ها سال ديگر، اگر درست از نعمات و نتايج آن بهره برداري شود همچنان براي دشمنان بازدارنده، هراس آور و درصورت وقوع هرگونه درگيري احتمالي باعث شكست آنها خواهد بود.

من معتقدم مردم ايران از همه اقوام و ساكنان آن به اين سفارش قرآني "واعتصموا بحبل الله جميعا و لاتفرقوا" به خوبي عمل كرده اند. وحدت اقوام ايراني حاصل پيروي از اسلام ناب محمدي(ص)، ارزش هاي ملي و فرهنگ ايراني است. اجازه مي‌خواهم به اين عوامل وحدت آفرين در نواحي و مناطق مختلف كشور صرف نظر از ساير عوامل مهم كه درجاي ديگر بايد به آن پرداخته شود، باتوجه به يافته هاي كم نظير خود كه حاصل سال ها ممارست در دستگاه هاي مختلف دولت، رسانه هاي محلي و مركز و مطالعات پژوهشي است و در نزد برنامه ريزان ارشد جامعه تاحدودي مغفول مانده به اهميت بسيار زياد استفاده از ظرفيت هاي انباشته شده در رسانه بويژه در رسانه هاي محلي اشاره كنم كه به نظر من اين رسانه ها، به عنوان نمايندگان اقوام و حوزه هاي محلي و پيشگامان عرصه هاي قدرت نرم جمهوري اسلامي ايران در صورت برنامه ريزي هاي كلان و بسترسازي هاي مناسب مي‌توانند بسيار فراتر از اين، نقش هاي راهبردي و گسترده تري در شرايط پيش گفته ايفا كنند.

ابتکار